

از شهادت امام حسن عسکری (ع) تا غیبت صغری



برهه دوم زندگی امام عصر(ع)، از زمانی شروع شد که سایه پدر را از دست داد و خود عهده دار منصب امامت گردید. این دوران، که می توان آن را دوران حیرت و محنت(1) شیعیان نامید، بر دوستداران اهل بیت(ع) بسیار سخت گذشت و آنان، آزمون سرنوشت سازی را پشت سر گذاشتند...

برهه دوم زندگی امام عصر(ع)، از زمانی شروع شد که سایه پدر را از دست داد و خود عهده دار منصب امامت گردید. این دوران، که می توان آن را دوران حیرت و محنت(1) شیعیان نامید، بر دوستداران اهل بیت(ع) بسیار سخت گذشت و آنان، آزمون سرنوشت سازی را پشت سر گذاشتند. از يك سو، فرقه ها و نحله های گوناگونی پیدا شدند که در رابطه با امامت، افکار و اندیشه های متضادی داشتند و مردم را به شبهه و تردید می انداختند و شیعیان، به دنبال ملجاء و مرجعی می گشتند(2)، تا بتوانند در این عرصه خطرناک، در پناه او بمانند و از افکار اندیشه خود به دفاع برخیزند. این مسائله، به اندازه ای شدت یافته بود که مسعودی می نویسد: (مردم، پس از امام حسن(ع) بیست طایفه شدند و هر یک، بر باور و عقیده ای بودند،(3)) از سوی دیگر، دشمن احساس کرده بود که امام یازدهم(ع) فرزندی دارد، از این روی در صد دستگیری و نابودی وی برآمده بود. مجموعه این حوادث، فضای حیرت و سرگردانی را دو چندان می ساخت و به فرموده امام رضا(ع): (... ولابد من فتنة صماء صيلم يسقط فيها كل وليجة و بطانة وذلك بعد فقدان الشيعة الثالث من ولدي،(4)) بعد از درگذشت سومین فرزندم [امام حسن] فتنه فرا گیر و طاقت فرسایى فرا می رسد که بسیاری از خوبان و نخبگان در آن فرو می افتند. در این برهه از زندگانی مهدی موعود(ع)، مسائل و حوادثی پیش آمد که جای بحث و بررسی دارد:

1. امامت در خردسالی:

از آنچه تاکنون آوردیم، روشن شد که امام یازدهم(ع) از آغاز ولادت مهدی(ع) دو وظیفه اساسی و حسّاس را عهده دار شد و از انجام آن نیز به درستی به در آمد.

حمایت و حفاظت از امام زمان(ع) در برابر حکومت خون آشام عباسی.

اثبات وجود امام و اعلام امامت او به عنوان امام دوازدهم. حفظ این دو موقف بزرگ، با توجه به سلطه دستگاه جبار عباسی، بسیار دشوار بود. امام حسن(ع) با تدبیر و تعهدی که داشت، مهدی(ع) را از هرگونه خطر و حادثه ای مصون نگهداشت و در فرصت های مناسب، به یاران و دوستان ویژه و مطمئن، امامت و جانشینی او را اعلام کرد. پرسشی که در این جا مطرح می شود آن است که چگونه مهدی(ع) در پنج سالگی به امامت رسید و عهده دار این مسؤولیت خطیر و بزرگ گردید. آیا این مسائله جنبه استثنائى داشت، یا امری بود معمولی و عادی؟ در باور ما شیعیان، امامت در سنین کم، محذوری ندارد و نمونه های دیگری نیز داشته است. قرآن مجید، به عنوان محکم ترین سند معارف دینی، از افرادی نام می برد که در خردسالی دارای حکمت و نبوت شدند. این نشانگر آن است که در میراث پیام آوران الهی، مسائله پیشوایی در کودکی پدیده نوظهور نبوده و نیست: (یا یحییٰ خذا الكتاب بقوة وأتيناہ الحکم صیباً (5)) ای یحیی! کتاب را به نیرومندی بگیر و در کودکی به او دانایی عطا کردیم. درباره نبوت حضرت عیسی(ع) می فرماید: (فانشارت الیه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صیباً. قال انی عبدالله أتانی الکتاب وجعلنی نبیاً)(6). به فرزند اشاره کردند، پس گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم. کودک گفت: من بنده خدایم. به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است. بنابراین، مسائله امامت در سنّ کودکی، نخستین بار نبوده است که مورد اعتراض واقع شده بلکه پیش از امام زمان، در بین انبیا نمونه های فراوان داشته و نیز امامان قبل از حضرت: امام جواد و امام هادی(ع) هم در خردسالی عهده دار امامت شده بودند.

2. نماز بر پیکر پدر:

امام حسن(ع) در آستانه ارتحال قرار گرفت. چند روزی کسالت شدید پیدا کرد. خلیفه از این امر آگاه شد. و به دستور وی، گروهی از سران دولت و گروهی از پزشکان، به منزل امام یازدهم رفتند، تا ضمن مداوای حضرت و کسب وجهه عمومی، اوضاع و شرایط را زیر نظر بگیرند و رفت و آمدها را به کنترل در بیاورند اگر صحنه مشکوکی در رابطه با جانشینی و امامت پس از امام حسن(ع) دیدند، آن را گزارش کنند(7). تا این که در تاریخ هشتم ربیع الثانی، سال 260 ه. ق. امام حسن(ع) در شهر سامرا، چشم از گیتی فرو بست و به جوار حق شتافت.

شیخ مفید می نویسد:

(فلما ذاع خبر وفاته صارت سرّ من رائی ضجة واحدة عطلت الألسواق و رکب بنوهاشم والقواد وسائر الناس الی جنازته فکان سرّ من رائی یومئذ شبیهاً بالقیامة فلما فرغوا من تهیئته بعث السلطان الی ابی عیسی ابن المتوکل یأمره بالصلاة علیه،(8)) زمانی که خبر وفات امام حسن(ع) پخش گردید، سامرا غرق در عزا شد، بازارها تعطیل گردید، بنی هاشم و ماموران دولت و سایر مردم به سوی خانه امام حرکت کردند. در آن روز، گویی قیامت بر پا شد... هنگامی که مقدمات غسل و تشییع تمام شد، حاکم عباسی به فرزند متوکل [ابو عیسی] دستور داد بر جنازه امام یازدهم نماز بگذارد. نقل دیگر آن است که پس از درگذشت امام حسن(ع) و غسل و کفن وی، جعفر(برادر امام) در کنار جنازه حاضر شد، تا بروی نماز بگذارد، ناگهان کودکی از لابه لای جمعیت به جلو آمد و جعفر را از کنار پیکر پدر کنار زد و خود بروی نماز گزارد(9). بین این دو نقل می توان این گونه جمع کرد که بگوییم دو نماز بر جنازه امام حسن عسکری گزارده شده: در جمع و آشکارا و در خلوت و نهانی. و این نکته را می توان از روایت پیشین که بدان اشارت رفت استفاده کرد، راوی می گوید:

(... فلما صرنا فی الدار اذا نحن بالحسن بن علی(ع) علی نعشه مکفناً فتقدم جعفر بن علی لیصلی علی اخیه، فلما هم بالتکبیر خرج

صبی... فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تائخر یاعم فانا احق بالصلاة علی ابی فثائخر جعفر و قد اربد وجهه واصفر... (10) [ابوالانديان] می گوید: هنگامی که به خانه امام حسن(ع) رسیدیم وی را در حالی دیدیم که کفن شده بود. برادرش جعفر جلو افتاد تا بر جنازه امام نماز بخواند. هنوز تکبیر را نگفته بود که کودکی بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را از جنازه کنار زد و فرمود: ای عمو کنار بایست که من از تو برای نماز گزاردن بر پدرم شایسته ترم. جعفر نیز در حالی که رنگ از چهره اش پریده بود، کنار رفت. از این روایت استفاده می شود نمازی که امام مهدی(ع) بر بدن امام حسن(ع) خوانده در خانه امام و در میان افراد خاص برگزار شده و این با نماز ابوعلیسی که در میان جمع و نماز رسمی بوده است، ناسازگاری ندارد. البته این جمع بندی در صورتی است که بخواهیم مسائله را از جنبه عادی و معمولی بررسی کنیم. و اما در فرض اعجاز و غیر عادی بودن، نیازی به این مباحث نیست.

پي نوشت :

- (1) (کتاب الغیبة)، نعمانی 185/.
- (2) (بحار الانوار)، ج 51/11 و 12.
- (3) (مروج الذهب)، مسعودی ج 4/199.
- (4) (کتاب الغیبة)، نعمانی 180/ (کمال الدین)؛ 370/ (سفینة البحار)، ج 2/703.
- (5) سوره (مریم)، آیه 12.
- (6) سوره (مریم)، آیه 29.
- (7) (بحار الانوار)، ج 50/328.
- (8) (همان مدرک)؛ (اصول کافی)، ج 1/505 (ارشاد) مفید، ج 3/324، مؤسسة آل البيت.
- (9 و 10) (کمال الدین) 475/